

مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ (مطالعه موردی: لباس سنتی و لباس تجدد بانوان)

مانا ابازری* حبیب الله طیبی**

چکیده

پوشاک نمایشگر آداب و عادات مردمان یک جامعه است و از طریق ویژگی‌های موجود در خود، می‌تواند با انسانها ارتباط برقرار کند. نوع پوشش بانوان، نحوه حضور آنان در عرصه‌های فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی را برمی‌تاباند. وقوع تحولات همه‌جانبه در اروپا در دوره قاجار و سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ و ارتباط ایران با غرب، آغازگر چالش‌هایی برای پوشاک بانوان قاجار شد. با این توصیف این سؤالات در ذهن ایجاد می‌شود که خصوصیات پوشاک بانوان به صورت لباس سنتی ایرانی، پیش از ارتباط با غرب و پس از آن چه بوده است و روند این تغییرات، چگونه توصیف و تحلیل می‌شود. آنچه به عنوان هدف در روند این مقاله پیگیری می‌شود تطبیق و تحلیل نحوه پوشش بانوان قاجار با رویکرد به وضعیت سنت ایرانی، ورود به مرحله گذار و سپس تجدد غربی است و سرانجام روند این تغییر بررسی و تحلیل می‌شود. برای دستیابی به این منظور روش تحقیق به صورت کیفی (توصیفی - تحلیلی) و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل محتوایی انتخاب شده است. چارچوب نظری تحقیق بر اساس دو رویکرد سنتگرایی ایرانی و تجددگرایی غربی در قالب جامعه‌شناسی است. شناخت وضعیت گذار، در این میان ضروری به نظر می‌رسد. منابع تحقیق از راه مطالعات در کتابخانه و اینترنت تأمین شده است. نتایج حاصل از این مقاله، بررسی لباس بانوان قاجار را در سه بخش سرپوش، تنپوش و پاپوش در دو محور اندرونی و بیرونی نشان می‌دهد. پوشاک در سه دوره سنت، گذار و تجدد غربی در بازه زمانی ابتدا تا انتهای دوره قاجار مورد بررسی و سپس تحلیل قرار گرفته است. در تحقیقات مشخص گردید که تنپوش و پاپوش اندرونی در دوره گذار و پوشاک بیرونی در دوره تجدد غربی دچار تغییرات شده است. با شناخت و تحلیل پوشاک بانوان قاجاری، درک تحولات در لباس‌های امروزی بر خواننده هموار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پوشاک بانوان دوره قاجار، سفر ناصرالدین شاه، سنت، گذار، تجدد غربی

مقدمه

بخش گسترده‌ای از نمادهای فرهنگی و نحله‌های فکری یک تمدن و تحولات ایجاد شده در آن، بر تاروپود لباس مردمانش نقش بسته است. زنان، تقریباً نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند و در گذار تاریخ همراه مردان در عرصه زندگی بوده‌اند. سبک پوشش زنان در دوره‌های مختلف نمایانگر نحوه معیشت مردمان آن دوره است. اهمیت لباس از این روی است که به‌مانند کتاب گشوده، زبان رسای اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن دوره است. دوره قاجار مقارن با انقلاب صنعتی و دگرگونی فضای فکری فرهنگی اروپا بود. «این دوره (قاجار) دوره گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی و فکری با غرب بود. گسترشی یک‌سویه که منجر به تحمیل خواست و اراده غربیان شد» (واتسن، ۱۳۵۶: ۳۶). از آنجایی که رسوبات فرهنگی قاجار بر بستر اجتماع معاصر، نمایان است، بنابراین مطالعه پوشاک بانوان قاجار می‌تواند رمزگشای نکات ارزشمندی از دوره معاصر باشد. فضای سنتی حاکم بر اجتماع ایرانی که به‌واقع همان تکرار طوطی‌وار کلیشه‌های سنت بود، آماده پوست‌اندازی بود. بستر آن به دست پادشاهان و تحصیل‌کردگان از فرنگ برگشته و فرنگیان فراهم شد. در این میان زن و متعلقات او مانند پوشاک، در وهله اول آماج امواج بیگانه قرار گرفت و به‌عنوان نماد فرهنگی، نمایانگر تغییرات بود. حال این سؤال مطرح می‌شود که مشخصات پوشاک، به صورت سنتی و سپس بعد از جریانات تجددگرایانه در ایران چه بود و روند دگرگونی و تغییرات، چه تأثیراتی بر بخش پوشاک داشته است. این نوشتار، در قالب استنادات و جداول، پوشاک بانوان قاجار را در سه بخش سرپوش، تنپوش و پاپوش و در دو محور اندرونی و بیرونی بررسی می‌کند و سپس به تحلیل اطلاعات حاصله می‌پردازد. با توجه به اینکه نوع پوشش نمایانگر فعالیت اجتماعی و جایگاه عقیدتی پوشنده آن است، با بررسی و تحلیل سبک لباس، می‌توان علل مؤثر در تغییر آن را بررسی کرد. نگارندگان کوشیده‌اند با بررسی پوشاک زن قاجاری، سیر گذار لباس او را به سمت پوشش متجدد غربی مورد بررسی قرار دهند. بازه زمانی این تحقیق مربوط به سال‌های ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ هجری شمسی یعنی قرن دوازدهم شمسی معادل با قرن نوزدهم میلادی است. جامعه آماری، شامل ۲۶ قطعه از انواع پوشش بانوان قاجاری است که از میان مراجع معتبر کتابخانه‌ای و اینترنتی تهیه شده است.

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که در زمینه پوشاک بانوان قاجار صورت گرفته است از سه منبع زیر تأمین شده است:

- سفرنامه گردشگران، سفیران و بازرگانان غربی
- نمونه‌هایی از این پوشاک‌ها که در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی یافت می‌شود
- مجموعه عکس‌هایی که از روزگار ناصرالدین‌شاه به‌جامانده است^۱

مرجع اغلب کتب نگاشته شده در این زمینه از سه مورد بالا تأمین شده است. بخشی از پژوهش‌های مهمی که در این زمینه انجام گرفته شامل این موارد است: احسان یارشاطر (۱۳۸۲) در کتاب «پوشاک در ایران زمین»، با استفاده از گزارش سفرنامه‌نویسان و عکس‌های باقیمانده از دوره قاجار، به تشریح البسه زنان قاجاری پرداخته است. میترا مهرآبادی (۱۳۷۹) در کتاب «زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی»، لباس زن قاجاری را بر اساس تألیف گزارش‌های چند سفرنامه‌نویس بیان کرده است. مهرآسا غیبی (۱۳۸۵) در کتاب «هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی»، به استناد تصاویر و گزارش‌های سفرنامه‌نویسان، به توصیف لباس اندرونی و بیرونی زنان قاجار پرداخته است. عبدالله مستوفی (۱۳۸۴) در کتاب «شرح زندگانی من»، بر اساس دیده‌ها و تجربیات خود، شرح مختصری از البسه زنان قاجار و شرایط اجتماعی آنان ارائه می‌دهد. ویل دورانت^۲ (۱۳۷۶) در جلد اول کتاب «تاریخ تمدن» به شرح موقعیت زن قاجاری به لحاظ حضور اجتماعی می‌پردازد. یحیی ذکاء (۱۳۳۶) در کتابش با نام «لباس زنان ایرانی از سده سیزده هجری تا به امروز»، به استناد گزارش سفرنامه‌نویسان اروپایی، به صورت مصور به تشریح پوشاک بانوان پرداخته است. از تحقیقات دیگری که بیانگر نوع پوشش دوره قاجار باشد می‌توان به سفرنامه‌های زیر اشاره کرد: «سفرنامه ایران و ایرانیان» تألیف یاکوب ادوارد پولاک^۳ (۱۳۶۸)، «سفرنامه دیولافوا» تألیف دیولافوا^۴ (۱۳۶۱)، «خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس» تألیف لیدی شیل^۵ (۱۳۶۲)، کارلا سرنا^۶ (۱۳۶۸) «آدم‌ها و آیین‌ها در ایران».

آنچه پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش‌های مشابه متفاوت می‌سازد این است که در این نوشتار، پوشاک بانوان از منظر جامعه‌شناختی در سه مرحله سنت، گذار و تجدد غربی در یک دوره حکومتی (قاجار) در یک فاصله زمانی ۱۳۰ ساله بررسی شده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش (کیفی) توصیفی - تحلیلی بوده و از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش یافته‌اندوزی، کتابخانه‌ای و اینترنتی است. رویکرد مقاله، جامعه‌شناسی و در باب سنت ایرانی و تجدد غربی عهد قاجار با استناد به کتب و مقالات

بودن، تأهل و مجرد از قالبهای مرسوم لباس در جامعه سنتی است که برای بیان آن موقعیت، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نگاه دیگر می‌توان لباس در حیطة سنت را به دو محور طولی و عرضی تفکیک کرد، موارد بالا شامل محور طولی می‌شود و فرد حق دخل و تصرف در آن را ندارد. در محور عرضی فرد می‌تواند در انتخاب لباس تنوعی ایجاد کند. به این معنا که در انتخاب جنس و نحوه آراستگی لباس و کیفیت تزیینات، دخل و تصرف اندکی به خرج دهد. چه، در خانواده‌های فرادست مرغوب‌ترین پارچه و گران‌ترین تزیینات انتخاب می‌شد و در خانواده‌های فرودست لباس و ملزومات آن از کیفیت متوسط و یا پایینی در نظر گرفته میشد. در مجموع در حیطة سنت، نمی‌توان لباس را، فردی در نظر گرفت. البته در طول زمان و بنا به شرایط حکومتی و سیاسی و یا مذهبی امکان تغییر در آن وجود دارد. در دوره قاجار، فضای جامعه برای زندگی مردم، کاملاً سنتی بود. در آن روزگار، زن بخشی از مایملک مرد به حساب می‌آمد و از حقوقی نصف حقوق مرد و حتی کمتر، بهره‌مند بود. طرز پوشش او نیز بنا بر قوانین سنت، از پیش تعیین شده بود (قویمی، ۱۳۵۲). «بدترین و سخت‌ترین دوران حیات زن ایرانی، در عصر قاجار سپری شد» (کدی، ۱۳۸۴: ۴۱). «نظام خانواده و هنجارهای اجتماعی، جهان بسته‌ای را فراهم ساخته بود که در عمل امکان بروز فردیت را به زنان نمی‌داد... حتی سرگرمی‌های زنان، امکان کنش‌گری او را فراهم نمی‌کرد» (ترابی، ۱۳۸۸: ۲).

بررسی‌های کتب تاریخی نشان می‌دهد که مطابق رسوم سنتی، دختران در همان سنین پایین سریعاً به خانه بخت می‌رفتند و وقت آنها صرف همسررداری، تربیت فرزند و رسیدگی به امور منزل می‌شد. جهان زنان، جهان بسته‌ای در اندرونی منزل بود و در نتیجه زن به شناخت درستی از هویت فردی و توانایی‌های ذاتی خود نمی‌رسید. حق و حقوق فردی و مدنی برای تک‌تک افراد وجود نداشت. در نتیجه، سطحی‌نگری و تاریک‌اندیشی، امکان شناخت زن قاجاری را از او ربود. به همین ترتیب زن منفعل و انتخاب‌شونده و تنها مجری اوامر حاکم بر فضای سنتی جامعه‌اش بود. قابل ذکر است عده اندکی از بانوان، مرزها را گسسته و پا فراتر نهاده بودند. ولی بیشتر بانوان، سرنوشتی همانند هم داشتند. در زمینه پوشاک نیز، منفعل و بی‌اراده بودند.

پوشاک سنتی بانوان قاجار

لباس زن قاجاری به دو دسته لباس اندرونی (متناسب با حضور در منزل) و لباس بیرونی (متناسب با حضور در اجتماع) تفکیک می‌شد. بر طبق تصاویر به‌جامانده، لباس

معتبر است. در بخش سنت، فضای سنتی تعریف می‌شود و سپس به حضور زن و نوع پوشش سنتی او پرداخته می‌شود تا علت سبک پوشش بانوی قاجاری بر خواننده آشکار شود. بعد از آن، تغییر ساختاری پوشش از ورای نفوذ پوشاک غربی مطرح شده و تغییرات آن توصیف می‌شود. در ادامه از روش تحلیل محتوا برای تشریح تغییرات لباس استفاده می‌شود.

جهان بینی سنت و بانوی قاجاری

سابقه سنت به گذشته‌های دور برمی‌گردد. زمانی که انسان زندگی کردن را آغاز کرد. در تعریف سنت می‌توان این‌طور گفت: «آن نوع رفتاری که از فرط قدمت و تکرار به شیوه خودانگیخته ای از عمل تبدیل شده است، سنت نامیده می‌شود» (آرون، ۱۳۷۰: ۵۹۵)، «سنت مترادف است با اعتقاد به خلل ناپذیر بودن آنچه همیشه این چنین بوده است» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۴۰). به عقیده سید حسن نصر، از مطرح‌ترین اندیشمندان سنت‌گرا، معنای سنت این است: «سنت به معنای حقایق یا اصولی است دارای منشأ الهی که از طریق شخصیت‌های مختلفی معروف به رسولان و پیامبران برای ابنا بشر در نظر گرفته شده و در قالب اسطوره‌ها، مناسک، نمادها، تعلیم‌ها و دیگر مظاهر تمدنهای بدوی و دینی گوناگون نمود و ترجمان پیدا میکنند» (گیلانی، ۱۰۷) به تعبیر نگارندگان این اصول و حقایق، با عقل بشر انتخاب و یا تغییر نمی‌کنند و در اثر گذشت ایام در جان و دل بشر نهادینه شده‌اند. در نتیجه شاخص‌ترین خصیصه سنت می‌تواند تداوم در تکرار آن باشد. جامعه سنتی، جامعه‌ای است که در آن تفکر سنتی حکمفرماست و هویت فردی معنی ندارد و فرد در لوای خانواده، موقعیت شغلی و خانوادگی‌اش هویت می‌یابد و به این ترتیب صاحب هویت جمعی می‌شود. تفکر سنتی در حقیقت همان چارچوب و ساختاری است که موجب معنا بخشی کنش افراد می‌شود. این چارچوب فکری به پرسش‌های گوناگون انسان پاسخ می‌دهد و چون چارچوب حاکم، درست و غیرقابل تخطی دانسته شده، پاسخ‌های آن نیز درست و مقدس تلقی می‌شود. در وضعیت سنتی با «تصلب قراردادهای» مواجه هستیم. البته میتوان بین لباس و ساختار اجتماعی جامعه روابطی پیدا کرد؛ اما قراردادهای ناظر بر این روابط، تحت تأثیر تصلب و ثبات وضعیت سنتی، متصلب و ثابت هستند (جوادی، ۱۳۸۶: ۶۹). در بررسی لباس از نگاه سنت و در جامعه سنتی، می‌توان قالب‌های از پیش تعیین شده‌ای را در نظر گرفت که هر کدام، گروهی از افراد جامعه را در برمی‌گیرد. هر سبک لباس مربوط به قشر یا گروهی از مردم می‌شود. قالب‌هایی نظیر مردانگی، زنانگی، اشرافیت، طبقه اجتماعی و شغلی، عوام

اندرونی عبارت از دامن پرچین و کوتاهی به اسم شلیته بود. بستن شلیته پایین‌تر از کمر، مرسوم بود و قسمتی از شکم و ناف بانو دیده می‌شد. به همراه این دامن، از پیراهنی کوتاه استفاده می‌کردند. البته این‌طور به نظر می‌رسد به علت بلندی دامن، شلوار از اهمیت چندانی برخوردار نبود، آقای راوندی این‌طور ابراز می‌دارد: «زنان دربار پیراهن کوتاه جلو باز و مزین به دکمه‌های زرین و مرواریدنشان از جنس ابریشم استفاده می‌کردند که تقریباً بدن آنان را برهنه می‌نمود. به روی آن ارخالق یا همان کت‌های کوتاه آستین سمبوسه‌دار^۷ با یقه برگردان می‌پوشیدند» (راوندی، ۱۳۵۲: ۲۵۱). زنان در خانه پیراهن‌های پشت نما با دامنی کوتاه پرچین (جامه) می‌پوشیدند و حتی بیشتر بالاتنه به صورت برهنه پیدا بود (polak، ۱۸۶۵: ۱۱۸)، (جدول ۱). بر حسب مقام و منزلت بانو، کمر بند مفتول از طلا یا نقره و مرصع^۸ به سنگ‌های قیمتی و جواهرات و نیم‌تاج‌ها و تاج‌های جواهرنشان مورد استفاده قرار می‌گرفت (حجازی، ۱۳۹۲: ۶۵). گاسپارد درویل^۹ می‌نویسد: «زنان نیم‌تنه‌های بلندی به تن می‌کنند که ارخالق نامیده می‌شود. جنس ارخالق‌ها معمولاً از اطلس پنبه‌دوزی شده است و آن را در زیر لباس (منظور قبا است) می‌پوشند» (درویل، ۱۳۸۴). «ارخالق از انواع پوشش متداول قوم تاتار است و این قاجار هم تباراً تاتار بودند» (دیولافوا، ۱۳۲۹: ۶۱). «ارخالق کت بلندی بود که روی پیراهن پوشیده می‌شد، با آستین‌های سنبوسه‌دار بلند همراه زری دوزی و گلابتون دوزی^{۱۰}. دامن سنبوسه را به روی آرنج جمع می‌کردند تا زیبایی‌های آستر آن دیده شود و گاهی نیز آن را آزاد و رها آویزان می‌کردند این نوع ارخالق با سنبوسه‌های بلند، چگین نامیده می‌شد» (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۰). عموماً زنان دربار از بهترین انواع تزئینات برای ارخالق بهره می‌جستند. زری دوزی و گلابتون دوزی و براق^{۱۱} پهن و مجلل، غالباً در لباس بانوان درباری دیده می‌شد (جدول ۱).

«کفش بانوان ساغریهای نوک برگشته به رنگ‌های سبز و قرمز و آبی از جنس چرم بود. در اندرونی، زنان از کفشهای راحتی به نام پاپوش استفاده می‌کنند که غالباً از مخمل زری دوزی شده یا مزین به مروارید شناخته می‌شوند.» (همان: ۶۰۴). «بانوان اغلب در زمستان جوراب سفید دستبافت به پا می‌کردند و در تابستان با پای برهنه در اندرونی‌ها راه می‌رفتند» (همان: ۶۰۲).

پوشاک بیرونی بانوان دربار قاجار به صورت سنتی به این صورت بود که آنها کل بدن خود را در چادرهایی تیره رنگ می‌پوشاندند. «پوشش کلی زنان تا قبل از سفر ناصرالدین‌شاه چادر بود. چادر در جنسیت‌های متفاوت مانند چیت و کرباس و مخمل که به

آن چادر نماز هم اطلاق می‌شد و یا چادرهای آبی قهوه‌ای چهارخانه که آن را چادرش می‌نامیدند»، (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۸) (جدول ۲). همین‌طور انواع دیگری از چادر هم به نام چادر سیاه و از جنس مرغوب و بادوام متداول بود، گویی نسل به نسل هم به ارث می‌رسید. «چادر سیاه یا بنفش ریشه‌دار پنبه‌ای یا ابریشمی در یزد تهیه می‌شد و بسیار بادوام بود. زنان درباری اطراف این چادر را مزین به گلابتون و نوار نقره‌ای می‌کردند؛ و نیز بندی در قسمت سر یا کمر چادر می‌دوختند تا چادر از روی بدن سر نخورد» (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۱) (جدول ۲).

روبنده نیز از ارکان پوشش زن دربار قاجاری در بیرون از منزل بود که در واقع کامل‌کننده حجاب زن به حساب می‌آمد. دالمانی^{۱۲} در مورد روبنده می‌گوید: «روبنده عبارت بود از پارچه سفید کتان تقریباً به ابعاد صورت و کمی بلندتر. در قسمت چشم‌ها، روبنده مشبک می‌شد و با یک قلاب طلائی و جواهرنشان در پشت سر، نگاه داشته می‌شد»، (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۱۵). البته بانوان روستایی و ایلاتی صورتشان را نمی‌پوشاندند.^{۱۳} «زنان در هر مقام و منزلت اجتماعی که باشند، همه‌شان بیرون از منزل چادرهایی به رنگ سرمه‌ای تند، شلوارهای گشاد از چلوار سبز، بنفش، خاکستری و قرمز می‌پوشند»، (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۴). از لباس‌های بیرونی که پوشش پاها را کامل می‌کرد چاقچور بود. چاقچور به مانند جوراب شلواری چین‌دار و گشادی بود که از کمر تا به انگشتان پا را پوشش می‌داد و شلیته را در خود جای می‌داد. «دولنگه چاقچور از هم باز بود و در بالای زانو با بندی محکم می‌کردند یا به صورت مثلث وسط دولنگه را نمی‌دوختند» (غیبی، ۱۳: ۶۰۴) (جدول ۲).

دوره گذار و پوشاک بانوان قاجاری

دوره گذار به دوره‌های اطلاق می‌شود که در آن یک وضعیت ثابت، دست‌خوش چالش می‌شود. به عبارتی، آنچه در وضعیت ثابت وجود داشته زیر سؤال می‌رود. تا زمانی که وضعیت جدید فراگیر نشده باشد، دوره گذار ادامه می‌یابد و بعد از فراگیر شدن تغییرات جدید، دوره جدیدی آغاز می‌شود. اساساً دوره گذار در میان دو وضعیت قرار می‌گیرد. قوانین ایستا و تغییرناپذیر وضعیت اول در دوره گذار دچار سستی و خلل می‌شوند. جامعه در حال گذار به این صورت تعریف شده است: «جامعه‌ای است که در حال انتقال از چارچوب «سنت» به «مدرنیته» است» (نبوی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). حمایت شاهان قاجاری و تحصیل‌کردگان از غرب برگشته، در دامنه وسیع تحولات صنعتی، اقتصادی و فرهنگی، زمینه بروز تغییرات اساسی را در بدنه سنت ایرانی فراهم کرد. در نتیجه دوره

ردیف	نام پوشاک	تصویر پوشاک	توصیف پوشاک
۱	پیراهن	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۱۰)	پوششی بالاتنه بدون یقه، قد کوتاه تا به کمر و جلو باز، مزین به دکمه‌های زرشان و جواهرنشان از پارچه بسیار لطیف و بدن‌نما، چند رشته مروارید جهت تزئین دور یقه دوخته می‌شد. در اوایل دوره قاجار، به همراه دامن بلند کمر چین‌دار پوشیده می‌شد.
۲	ارخالق	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۱)	کت بلند یا کوتاه، جلو باز، به وسیله دکمه به هم می‌آمد. عموماً دکمه‌ها را نمی‌انداختند تا تجملات پیراهن نمایان شود. همراه با آستین‌های سنبله‌دار یراق‌دوزی می‌شد.
۳	چگین	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۸)	کت همانند ارخالق با آستین بلند و دارای سمبوسه بلند همراه تزئینات (زری‌دوزی و یراق‌دوزی پهن) بود. آستر سنبله نیز از پارچه اعلا و مرغوب انتخاب می‌شد و به وسیله یک دکمه ناپیدا آن را روی آرنج نگه می‌داشتند تا آستر سنبله دیده شود.
۴	کلیجه یا چاپکین	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۳)	کت جلو باز، دارای قد بلند و پهن بود که رفته‌رفته از بلندی قد آن کاسته می‌شد. با دکمه جواهرنشان بسته می‌شد. جیب‌های بزرگ در پهلو داشت. جهت حفاظت از سرما، در فصل زمستان مورد استفاده قرار می‌گرفت.
۵	شلیته	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۳)	دامن کوتاه با قد تقریبی ۲۵-۲۰ سانتی‌متر و بسیار پرچین که با لیفه در کمر جمع می‌شد و عموماً با شلوار یا جوراب با هم استفاده می‌شد. از جنس مخمل، زری، ابریشم یا چیت تهیه می‌گردید.
۶	شلوار	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۲)	پوششی برای پاهای به صورت گشاد که در قسمت کمر با لیفه یا کش به اندازه کمر می‌شد. پاچه‌های شلوار مزین به گلدوزی‌ها و نواردوزی‌های زیبا بود. رواج این شلوار به اوایل دوره قاجار برمی‌گردد.
۷	چادرشب	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۹)	نوعی چادر رنگی خیلی سبک از ململ سفید در زیر گلو با گره بسته می‌شد. قد چادر تا حدود پشت پا می‌رسد و مخصوص اندرونی بود. به علت بدن‌نما بودن، ظرافت و ملاحظاتی به زن می‌بخشید.
۸	چارقد قالبی	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۳)	در قسمت کلگی چارقد، جایی که روی کاسه سر قرار میگرفت از آهار برای قالبی کردن چارقد استفاده میکردند.

ادامه جدول ۱. پوشاک سنتی اندرونی بانوان قاجار

ردیف	نام پوشاک	تصویر پوشاک	توصیف پوشاک
۹	چارقد	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۶)	چارقد عبارت است از پارچه لطیف مربع شکل که از وسط تا میشود و وتر این مثلث روی سر قرار میگیرد و زیر گلو سنجاق میشود.
۱۰	نیم تاج	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۴)	نیم تاج مخصوص بانوان درباری بود. معمولاً با طلا، نقره یا جواهرات اعلا تزئین میشد.
۱۱	گیوه یا پاپوش	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۸)	کفش دستبافت پشمی یا ابریشمی با زیره چرم یا لاستیک. قسمت رویه کفش، با مروارید یا دوخته‌دوزی تزئین میشد.
۱۲	نعلین یا ساغری	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۵)	کفش نوک‌برگشته در رنگ‌های مختلف که فقط سرانگشتان پا داخل آن قرار می‌گرفت و بقیه پا، بیرون و آزاد بود. روی هم‌رفته کفش راحتی نبود و برای تند راه رفتن مناسب نبود. پاشنه در وسط کفش بود.

(نگارندگان)

چسبان و نازک و زیرجامه چتری کوتاه به عرض چند و جب روی آن مشاهده کرد، سخت مصمم شد که زنان حرم‌سرا را به این پوشش وادارد و چون عموماً اولین تغییرات کلی لباس از اندرونی شروع و به عوام سرایت می‌کرد، از این‌رو ابتدا زنان اشراف و اعیان و سپس زنان عوام به این پوشش روی آوردند» (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۲).

نمونه‌ای از کفش‌های ظریف و براق به رنگ سیاه نیز توجه شاه ایران به خود جلب کرد که در بازگشت از فرنگ به همراه خود آورد و به بانوان دربار انتقال داد.

عبدالله مستوفی نقل می‌کند: «در هزار و سیصد که من در نظر دارم زیرجامه خانم‌های شیک و جوان از پشت قدم‌ها تا سر کاسه زانوهای بالا رفته بود و زن‌های مسن‌تر، زیرجامه را قدری بلندتر می‌پوشیدند» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۰). بدین ترتیب، دامن‌های بلند زنان درباری در اندرون تبدیل به دامن‌های کوتاه و چتری شد. «شلیته (دامن‌های کوتاه) زیر دامن‌های چند لایه، با پاهای لخت یا جوراب سفید پوشیده می‌شد و دامن‌ها بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا بسیار کوتاه شد. به همراه پیراهن یقه باز نازک و کوتاهی که به همراه روسری ساده سفید

گذار در کشور شروع شد و آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، یعنی بانوان را تحت تأثیر خود قرار داد. «سده نوزدهم را می‌توان آغاز تلاش‌های گسترده در جهت تجدد در ایران دانست. به واقع، عصر نفوذ همه‌جانبه استعمار در ایران بود. دیگر تنها سنت‌پرستان و تجددخواهان در برابر هم قرار نداشتند. از آن پس سایه نفوذ شوم استعمار در ایران بود. در اوج این تحولات بود که ناصرالدین‌شاه به فرنگ سفر کرد. ارمان سفرش روایتی محدود و مسخ‌شده از تجدد بود» (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۹).

«ناصرالدین‌شاه سه بار به اروپا رفت. سفرهای او به ترتیب در سال ۱۲۹۰، ۱۲۹۵ و ۱۳۰۶ ه. ق. اتفاق افتاد» (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). هدف از این مجموعه سفرها، بررسی راهکارهای پیشرفت و توسعه علوم و فنون بود. منتها برداشت ناصرالدین‌شاه از این سفرها، تنها درک ناقصی از فرهنگ غربی بود. شاه ایران تنها به برداشتی از ظاهر تمدن غرب اکتفا کرد و به محض ورود به کشور خواست تا لباس بالرین‌های غربی را در اندرونی اش رواج دهد. یحیی ذکاء در این مورد بر این عقیده است: «زمانی که ناصرالدین‌شاه در تماشاخانه کاولین سن پترزبورگ بالرین‌ها را با شلوار کشفافت

بعد از سوغات ناصرالدین شاه از فرنگ، پیراهن بلند که زنان ارمنی می‌دوختند رایج شد. زن‌های عادی علاوه بر چادر سیاه، چاقچور می‌پوشیدند ولی متجددین آن را به نیم چاقچور^{۱۴} تبدیل کردند (همدانی، ۱۳۵۴: ۴۵۶-۴۵۵). بالاخره هوس شاه تمام شد و زیرجامه کوتاه منسوخ گشت و نیم‌تنه و چادر نماز، جای این لباس جلف را گرفت. نیم‌تنه که به جای ارخالق سابق بود با آستین شمشیری بی‌پیرایه و بایقه برگردان و یا عربی و بسته برای پوشاندن بالاتنه به کار رفت. چادر نماز کوتاهی از همان پارچه نیم‌تنه، که اگر به کمر می‌بستند تا پشت پاها را می‌پوشاند، به جای زیرجامه بلند قدیمی و تنبان کوتاه معمول شد. چادر نماز را با دکمه و مادگی یا سنجاق قفلی به کمر می‌بستند که

پوشیده می‌شد»، (بارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۲۵). نکته قابل توجه این است که همه این تغییرات در بخش اندرونی لباس رخ داد و بخش بیرونی لباس همچنان از قالب سنتی تبعیت می‌کرد. سیر تغییر شلووار بعد از سفر ناصرالدین شاه به سرعت صورت پذیرفت و همان‌طور که اشاره شد شلووارهای سفید و چسبان به سرعت جای شلووارهای گشاد دوره قبل را گرفت. این شلووارهای چسبان به همراه دامن‌های سفید و چتری کوتاه، سوغات ناصرالدین شاه از سفر فرنگ بود. کلیجه یا چاپکین‌های دوره قبل هم همچنان رایج بود و بنا بر اعتقاد عبدالله مستوفی در برودت زمستان مورد استفاده قرار می‌گرفت (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۰).

جدول شماره ۲. پوشاک بیرونی بانوان قاجار در وضعیت سنت

ردیف	نام پوشاک	تصویر پوشاک	توصیف پوشاک
۱	روبنده	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۲)	پارچه نخی نازک و نسبتاً بلند در حدود چهره و بلندتر از آن. قسمتی از روبنده که در مقابل دیدگان قرار می‌گرفت برای دیدن، به حالت مشبک دوخته می‌شد.
۲	پیچه	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۱)	نوعی روبنده که از موی اسب تهیه می‌شد. به رنگ سفید و به صورت چهارخانه روی چهره را میپوشاند. گیره فلزی برای نگهداری آن در پشت سر قرار می‌گرفت.
۳	چاقچور	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۴)	زیرجامه از جنس پنبه یا چلوار، به صورت جوراب شلواری پوشیده می‌شد. از کف پا تا کمر را در برمی‌گرفت. از کف پا تا زانو عموماً تنگ است و یا چین‌ها روی هم دوخته می‌شد و از قسمت زانو تا کمر گشاد و در کمر دارای لیفه بود. در قسمت فاق، ۲۰ سانتی‌متر ندوخته باقی می‌ماند.
۴	چادر	 (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۳۰)	پوششی دربرگیرنده کل بدن به شکل مستطیل یا نیم‌دایره و عموماً به رنگ‌های تیره از جنس کرباس، مخمل، تافته و اطلس و دارای حاشیه تزئین شده در رنگ‌های متفاوت.
۵	گالش	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۱)	کفشهای قالبی از لاستیک یا چرم.

(نگارندگان)

مثل دامن‌های امروزی می‌شد. زیرجامه‌ها و ارخالق‌های ترمه قدیمی به وسیله رفوگرها به وسیله صنعت خیاطی تبدیل به نیم‌تنه و چادر نماز گردید و زیرجامه ناصرالدین‌شاهی که جز چند سالی رواج نداشت، از پی کار خود رفت.

بنابراین چادر نماز و نیم‌تنه را باید حد فاصل بین لباس قدیم و لباس امروزه خانم‌ها به شمار آورد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۱-۵۱۰) (جدول ۳).

تجدد غربی و پوشاک بانوان قاجار

آغاز فردگرایی و توجه به توانایی انسان در عصر نسانس، بعد از سالیان متمادی قرون وسطی آغاز شد. به عقیده نوذری: «با بررسی تحولات قرن هجدهم و نوزدهم میلادی در اروپا،

جدول ۳. پوشاک بانوان قاجار در دوره گذار (بخش پوشاک اندرونی)

ردیف	نام پوشاک	تصویر پوشاک	توصیف پوشاک
۱	تنکه تنبان و دامن چتری	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۳)	شلوار چسبان از پارچه کشیاف، به نام تنکه تنبان به همراه دامن بسیار کوتاه، منقوش و چین دار، به تقلید از دامن‌های چتری بالرین روسی در دوره کوتاهی از سلطنت ناصرالدین‌شاه رایج شد. جورابه‌های سفید دستبافت به همراه این نوع شلوار پوشیده میشد.
۲	چادر نماز	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۹)	پوشش تنه، از کمر تا پشت پا را پوشش می‌داد. همانند دامن‌های امروزی و حد فاصل تنبان و شلیته‌های قدیمی و دامن‌های امروزی بود. با دکمه و مادگی ^{۱۶} و سنجاق روی کمر بسته می‌شد، روی بدن، همانند دامن‌های امروزی به نظر می‌رسید.
۳	قونداره	 نگارندگان	کفش چرمی براق سیاه‌رنگ به سبک کفش اروپایی بود. در دوره گذار توسط ناصرالدین‌شاه از فرنگ وارد ایران شد. خانمهای درباری و اشراف، از این نوع کفش استقبال کردند.
۴	نیمتنه	 نگارندگان	پیراهن یقه برگردان یا یقه عربی ^{۱۷} ، با آستین ساده شمشیری ^{۱۸} از جنس زری، مخمل، ترمه، کشمیر و فاستونی فرنگ، به همراه چادر نماز، یک دست کامل لباس بود.
۵	چادر نماز (مشابه دامنهای غربی)	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۹)	چادر نماز به کمر بسته میشد و تا پشت پا را میپوشاند و به جای دامنهای چتری کوتاه به کار میرفت. به همراه نیمتنه یک دست لباس را تشکیل میداد.

(نگارندگان)

روشنگری در غرب اتفاق می‌افتد که سرآغاز حرکت زیربنایی مدرنیته به حساب می‌آید» (نوذری، ۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۰۵). تجدد یا مدرنیته^{۱۵}، به معنی مدرن بودن، انسان‌محوری، تنوع‌طلبی و تعریف دوباره‌ای از آزادی است «عقلگرایی، تجرب‌گرایی و دنیاگرایی از مشخصات بارز مدرنیسم است» (جهاننگلو، ۱۳۸۵: ۲۹۸). مدرنیته تخریب مداوم سنت‌ها و باورهای کهنه است که با شیوه زندگی همراه شده‌اند. مفهوم مدرنیته با فردیت به شدت گره خورده است (نوذری، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۱۵). در کشورهای مدرن مراودات اجتماعی، نحوه برخورد با هنجارها، زاویه نگرستن و حتی آراستگی در پوشش و کلام افراد می‌تواند بر مبنای هویت فردی و شخصیت

و برای زندگی اجتماعی پردردسرنند، نیروها و فرصت‌های تازه‌ای داد» (دورانت، ۱۳۷۱: ۹۲۳). در این میان الگوهای ارزشی زن نیز دست‌خوش تغییرات شد. نیاز به نیروی کار در کارخانه‌ها، زن‌را از کنج خانه‌ها به اجتماع کشاند و در شرایط برابر با مرد قرار داد. آگاهی زن به حق و حقوق قانونی و بیداری ذهن او،

مستقل، جدای از کنش‌های خانوادگی و جمعی باشد. زن در جامعه مدرن نسبت به جوامع سنتی تعریف دوباره‌ای پیدا می‌کند (جدول ۴). ویل دورانت می‌نویسد: «انقلاب صنعتی، اخلاقیات را تغییر داد. این انقلاب، ماهیت بشر را عوض نکرد ولی به غرایز قدیمی که برای زندگی بدوی مفید

جدول ۴. پوشاک بانوان قاجار در دوره تجدد غربی (بخش پوشاک بیرونی)

ردیف	نام پوشاک	تصویر پوشاک	نوصیف پوشاک
۱	کت و دامن	 (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۹)	به شیوه غربی، دارای یقه برگردان، جلو باز، آستین بلند، قد تا حدود باسن و از جنس فاستونی، پشمی، ابریشمی.
۲	تاج و پیراهن عروس	 (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)	نمونه‌ای از لباس عروس به سبک غربی در اواخر دوره قاجاری. همراه با تور و تاج سر، مد روز اروپا از جنس ساتن و به رنگ سفید.
۳	یک دست کامل لباس عروس	 (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)	تاج‌السلطنه (دختر ناصرالدین شاه) در لباس عروس به شیوه غربی. پیراهنی از ساتن و ابریشم سفید و صورتی. (به فرمان پدر از البسه عروس در جشن خود استفاده کرد).
۴	پیراهن مجلسی به سبک غربی	 تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه (حجازی، ۱۳۹۲: ۴۲۳)	پارچه‌های لطیف در رنگهای روشن، محصول کارخانه‌های اروپا، با مدل‌های راحت و ساده مقبول بانوان درباری و اشراف.
۵	پیراهن مهمانی شب به سبک غربی	 (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)	نمونه‌ای از لباس مخصوص مهمانی به تقلید از لباس غربی.
۶	لباس مهمانی عصر	 (حجازی، ۱۳۹۲: ۴۱۲)	بلوز و دامن به شیوه غربی، مورد استفاده بانوان جوان در اواخر دوره قاجار در مهمانی‌های بانوان یا مهمانی‌های عصر.

(نگارندگان)

به شکل‌گیری هویت فردی اش منجر شد. زنان هم‌دوش مردان در عرصه اجتماعی حاضر شدند و در چنین فضایی شعارهایی از قبیل آزادی زنان، حقوق و جنبش آزادسازی زنان شکل گرفت (عابدی، ۱۳۸۲: ۴۰). در همین راستا، لباس بانوان غرب متعادل و هم‌سو با شرایط کار و زندگی نوین آنان، تغییر ماهیت داد.

در بررسی ماهیت تجدد در ایران میتوان از دو منظر متفاوت به آن نگاه کرد. در این مورد دکتر نجفی معتقد است: «موج اول تجدد زایی بومی و ملی در دوره قاجار، با توجه به سابقه فرهنگی ایران زمین در بیش از سه قرن گذشته، قابل توجه است و موج دوم، تحول نوگرایانه و تجددخواهانه است که با «موج مدرنیته» و حضور مغرب زمین در شرق و به خصوص کشورهای اسلامی مثل ایران به وجود آمده است. موج دوم در دو مرحله انجام شد. مرحله اول بر اساس جامعه جنگ‌زده و محتاج فناوری نظامی بعد از جنگ با روسیه و مرحله بعدی، تبدیل این فناوری به نوعی غرب‌گرایی و سپس غرب‌زدگی و خودباختگی» (نجفی، ۱۳۹۱: ۸). موج تجددخواهی در بدو ورود به ایران خود را از ورای لباس بانوان نمایش داد. «پوشاک به عنوان عنصری فرهنگی، در جریان تجددخواهی دوره قاجار از الگوهای سنتی و قومی حاکم بر پوشاک ایرانی جدا شد و شکلی نو یافت» (جوادی، ۱۳۸۶: ۶۸). همانطور که در بالا اشاره شد، نخستین عامل این موج را باید سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ دانست که به عنوان سوغات، با خود البسه بالرین را به همراه آورد. در زمان پادشاهی او، در دوره زمانی نسبتاً کوتاه، دامن‌های چتری کوتاه و شلواری چسبان کشف بالرین‌های غربی، در اندرونی شاهی رواج پیدا کرد. سپس پوشاک بینابینی از البسه سنتی و متجدد غربی، با عنوان چادر نماز (مشابه دامن لنگی امروزی) و نیم‌تنه (مشابه کت‌های امروزی) ایجاد و رایج شد.

شایان توجه است تا این دوره که مقارن با پادشاهی مظفرالدین‌شاه بود، تغییری در لباس بیرونی ایجاد نشد و تغییرات، مربوط به البسه اندرونی بود. ولی به مرور زمان به البسه بیرونی کشیده شد و تن‌پوش بانوان ایرانی به تبعیت از البسه غربی، تبدیل به کت و دامن‌های امروزی شد و استفاده از چادر و چاقچور در بین جوانان منسوخ شد و تنها زنان مسن، پاسداران حریم سنت در پوشش بودند (جدول ۵).

عوامل ایجاد و تغییر پوشاک بانوان قاجاری

آنچه امروزه به عنوان پوشش تنه بانوان دربار قاجاری می‌شناسیم، محصول دو مؤلفه مؤثر در روند شکل‌گیری آن است. مؤلفه اول، سنت حاکم بر جامعه قاجاری بود، آنچه به عنوان میراث از نسل‌های گذشته به بانوان به یادگار رسیده و

اختیاری در انتخابش نبود و بی‌شرط، قابلیت اجرایی داشت و به واقع پوشاکی کاربردی، متناسب با اوضاع اقتصادی و نظام اعتقادی جامعه و خانواده بود. اوضاع اقتصادی، جنسیت لباس و کیفیت تزئینات آن را تعیین می‌نمود. خانواده‌های کم‌بضاعت از پارچه‌های ارزان‌قیمتی چون چیت و چلوار و کرباس البسه می‌دوختند و تزئینات لباس هایشان نوارهای رایج و سکه‌های بدلی بود. منتها زنان دربار از حریر و ابریشم و ساتن همراه با جواهرات درخشان بهره می‌جستند. نظام اعتقادی تقریباً برای همه بانوان یکسان بود و به صورت پوشش کامل بدن در بیرون از منزل توصیف می‌شد. قطعات لباس و میزان برش لباس برای همه یکسان و تقریباً بدون تغییر بود و به این لحاظ، بانوان هم‌سطح از نظر طبقات اجتماعی، پوشاکی همانند داشتند. مؤلفه دوم، مقتضیات حکومتی و تدبیر پادشاهان در همان بازه زمانی است. به این معنی که بر اساس شرایط زمانی حاکم، رأی پادشاه بر ایجاد تغییر در همه یا قسمتی از البسه مردمان آن سرزمین بود. در مقایسه میان این دو عامل بنیادین، مؤلفه اول، از بطن فرهنگ و اعتقاد توده مردم برخاسته و اصالت و ماندگاری بیشتری دارد؛ ولیکن مقتضیات حکومتی، عموماً طول عمر کمتری دارد و با تغییرات دیگری که حادث می‌شود، از میان می‌رود. اما به علت ظهور ناگهانی و بروز تفاوت فاحش این دسته از لباس‌ها با البسه سنتی و آبا و اجدادی، ظهور آن چشمگیر می‌نماید و می‌تواند در پیکره استوار البسه سنتی، رخنه کند (جدول ۶).

بررسی سیر تحول پوشاک بانوان قاجاری

در سیر تغییر پوشاک بانوان در دوره قاجار عوامل متعددی دخیل بودند. از نظر نگارندگان، مهمترین عامل، حمایت پادشاهان از فرهنگ غربی بود که خود به عوامل دیگری ربط پیدا میکرد. وقوع انقلاب صنعتی در غرب، عدم حمایت دربار از تولیدات داخلی به ویژه نساجی، کمبود تکنولوژی و فناوری و نیاز به ارتشی نیرومند در رویارویی با حملات نظامی دول دیگر، احساس عقب‌ماندگی و وابستگی را در ذهن و جان حکومت‌داران و مردم ایران ایجاد کرده بود. ضعف پادشاهان در برآورده کردن این عوامل، دست‌نیاز آنان را به کشورهای غربی دراز کرد و این تصور را برایشان ایجاد کرد که لزوم داشتن جامعه پیشرفته یعنی تقلید از تمدن و فرهنگ غربی. در نتیجه در اولین قدم تلاش کردند ظاهر خود و بانوانشان را به سبک غربی در بیاورند (جدول ۷). به علت وضعیت نامساعد اقتصادی و اجتماعی کشور، مردم تلاش کردند تا با الگوبرداری از غربیان به پیشرفت برسند. در این میان بانوان دربار نقش عمده‌ای در ترویج البسه غربی ایفا کردند. به این ترتیب البسه غربی به

داده بودند. (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۸۲) لیدی شیل نیز در سفر نامه اش از شلوار تک لنگه نام میبرد که بانوان دربار ایران از آن استقبال کرده بودند (شیل، ۱۳۶۲: ۲۴).

تحلیلی بر فرآیند تحول پوشاک بانوان قاجار

هر نوعی از پوشاک در خود حامل پیام فرهنگی و اخلاقی است که مبین ویژگی‌ها و نوع رفتار و فرهنگ فردی و اجتماعی پوشنده آن است. بانوان قاجار همگام با پیشرفت اقتصادی در غرب و تنزل اقتصاد و اقتدار شاهان ایرانی و پیرو فرمان ناصرالدین شاه، لباسی را تجربه کردند که در پس لباس، پیام فرهنگی و اخلاقی آن را در زندگی روزمره خود درک نکرده بودند. بانوان دربار به لباس‌های تودرتو و پر چین حجیم که بازدهی بانورا در عملکردهای اجتماعی پایین می‌آورد و مانند یک قشر ضخیم، محافظ کل بدن بود عادت کرده بودند. آنان ناگهان در کنار البسه سنتی خود، پوشش متفاوتی را تجربه کردند.

در دیگر سو، لباس بانوان غرب متعادل و هم‌سو با تحولات صنعتی و اقتصادی به خصوص ایجاد و گسترش کارخانه‌های نساجی، تغییر ماهیت داد. آنان به لباس‌هایی با حجم کم، سبک و با تعداد قطعات کمتر و مناسب جهت حضور در کارخانه‌ها برای کار و فعالیت روی آوردند و به این ترتیب، هماهنگ با زندگی جدید، ساختار جدیدی از پوشش برای بانوان غربی شکل گرفت (جدول ۶). غربیان دریافتند برای تداوم پیشرفت خود نیازمند بازار فروش محصولاتشان هستند و بر این اساس از کشورهای آسیایی مانند ایران آغاز کردند. در مورد جامعه ایران قاجاری، تنها شاهد

تدریج جای خود را در میان بانوان باز کرد. «از آنجایی که سبک و سیاق درباریان همواره مورد تقلید عوام قرار می‌گرفت، می‌توان به این نتیجه رسید که غربیان با هدف فروش اجناس و کالاهای تولیدشده در روند تحول عظیم اقتصادی کارخانه‌های نساجی خود، به مقبول نمایاندن فرهنگ غربی در دربار ایران اهتمام ورزیدند. مد لباس خانم‌ها همیشه از اندرون شاه بیرون آمده و سپس به شاهزاده خانم‌ها و بانوان اعیان و بعد در بین عوام رواج پیدا می‌کرد»، (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۰).

از سوی دیگر، همان‌طور که از شواهد برمی‌آید، در جامعه ایستا و سنت‌گرای ایران زمان قاجار، زن مطیع فضای جمع و خانواده و ذهنیت او بدون پرورش و فاقد قدرت نقد و بررسی بود. به واقع زن، اجازه خروج از حصار غیر منعطف سنت را نداشت و افق نگاه او فراتر از دامنه‌های از قبل تعیین شده نمی‌رفت. زنان قاجار هرگز دیده نمی‌شدند و اگر سیاحان مطالبی درباره آنها نوشته‌اند، از روایت خواجه‌های حرم‌سرا بوده است (غیبی، ۱۳۹۲: ۳۳۴). با این اوصاف وقت و انرژی زن قاجاری اکثراً در فضای محدود اندرونی حرم‌سرا و در پیچ‌وخم روزمرگی می‌گذشت و زن به حدی از انفعال رسیده بود که تنها با پوشیدن البسه رنگارنگ و آرایش و پیرایش چهره دل شاد می‌گشت. با این اوصاف ارتباط زنان حرم‌سرا با همسران اروپاییانی که به ایران می‌آمدند به مانند گشودن افق‌های جدیدی برایشان بود. خانم پارسا، مرآه با غرب از دوره فتحعلی شاه را علت مواجهه و تفکر زنان درباره آزادی می‌داند (پارسا، ۱۳۷۷: ۷۵) زنان در نگاه اول مجذوب پوشش غربیان شدند. کولیور رایس^{۱۹} در سفرنامه اش نوشته است زنان حرم‌سرا، لباس هایش را مورد استفاده قرار

جدول ۵. بررسی تطبیقی پوشاک بانوان قاجار (از ابتدا تا انتهای دوره)

دوره سنت	دوره گذار	دوره تجدد
<ul style="list-style-type: none"> - دامن بلند چین دار - شلوار گلدوزی شده - پیراهن کوتاه بدن نما - ارخالق و کلیجه - پاپوش و جوراب 	<ul style="list-style-type: none"> - دامن چتری کوتاه - شلوار کشباف چسبان - در کنار البسه سنتی اندرونی 	<ul style="list-style-type: none"> - دامن بلند چین دار - شلوار کمر کشدار گلدوزی شده - پیراهن کوتاه بدن نما - ارخالق و کلیجه - پاپوش و جوراب
<ul style="list-style-type: none"> - چادر - چاقچور - روبنده - گیوه و گالش - قونداره 	<ul style="list-style-type: none"> - چادر - چاقچور - روبنده - گیوه و گالش - قونداره 	<ul style="list-style-type: none"> - کت و دامن به سبک غربی - پیراهن بلند راسته - شلوار به سبک غربی

(نگارندگان)

به سبک لباس متجدد را تا حدی تنزیل شرایط اقتصادی می‌داند (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

تلنگر تغییر و بیداری زنان به اشکال مختلف زده شد. تقارن دگرگونی‌های بنیادین، همچون فرمان مشروطیت^{۲۰}، بازگشت جوانان تحصیل کرده از فرنگ و رشد عقلانی و مدنی عامه مردم فصل جدیدی از نحوه پوشش و زندگی برای بانوان دربار قاجاری را رقم زد. فکر یافتن هویت مستقل شخصیتی و رشد اندیشه، در جسم و جان زنان رخنه کرد و مخیله آنان را به بازیابی و کشف ارزش‌های درونی خود رهنمون ساخت،

تغییرات ظاهری بدون درک درست از مفهوم تغییرات، مثل تغییر لباس هستیم. «مردم ایران جسم و جان خود را رها کردند و به دنبال رنگ و بوی دیگران، بالا رفتند و در این مرحله به ضررها رسیدند و درست ملتفت نیستند» (تحویل‌دار، ۱۳۴۲: ۱۰۱).

ایران دروازه ورود منسوجات غربی شد و شرایط اقتصادی به علت رکود کارخانه‌های ایران برگرده تجار و تولیدکنندگان فشار عظیمی وارد ساخت. تولیدات کارخانه‌های داخلی کم‌فروغ شد و همگان به منسوجات خارجی روی آوردند که جذاب‌تر، به‌روزتر و با قیمت تمام‌شده کمتر بود. یارشاطر رویکرد ساده‌تر

جدول ۶. بررسی تطبیقی زن در ساختار سنت و تجدید

زن در دوره سنت	زن در دوره تجدید	
زندگی اجتماعی	عدم حضور مفید و فعال در اجتماع و هم‌پای مردان	حضور مفید و فعال در اجتماع
زندگی فرهنگی	در حیطه امور منزل	خارج از منزل و کمابیش در اجتماع
زندگی مذهبی	اطاعت از دستورات دینی و تکالیف مذهبی	حق انتخاب در مذهب و دین‌گرایی
زندگی سیاسی	حداقل فعالیتها برای بانوان شاخص و درباری به تعداد انگشت‌شمار	آزادی بیان و مشارکت در امور سیاسی کشور

(نگارندگان)

جدول ۷. بررسی عوامل تأثیرگذار بر نوع پوشاک بانوی قاجاری

نوع پوشاک	واسطه رواج	عوامل اجتماعی	عوامل فرهنگی	عوامل اقتصادی	عوامل سیاسی
اندرونی بیرونی	- سنت	- خواسته مردان - مذهب و روحانیون	فرهنگ سنتی	- امکان داشت پارچه‌های ظریف و ارزشمند تولید داخل	- سیاست دولت و مذهبیون
گذار	- سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ - بانوان تجدیدطلب دربار	- استقبال بانوان از فرهنگ و پوشش غربی	- تأسیس مدارس به سبک اروپایی در ایران - تمایل دولت به تبلیغ و ترویج فرهنگ غربی - وجود جریانهای روشنفکری	- مدرن‌سازی پایتخت توسط ناصرالدین‌شاه و به دنبال آن تغییر فضا و زندگی مردم	- ظهور جنبشهای مشروطه - ظهور سیاست تجددطلبی در دربار و دولت
تجدد	- بانوان دربار شاهی به خصوص مادر و دختر ناصرالدین‌شاه - بازگشت جوانان تحصیل کرده از غرب - حضور خیاطان غربی	معاشرت با بانوان غربی و الگوبرداری از پوشش آنان - حضور در اجتماع به واسطه مشروطیت و تحریم تنباکو	- تحصیل بانوان ایرانی - حس تمایز و آراستگی - رشد عقلی و مدنی در اثر بروز تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور	- ایجاد بازار فروش برای تولیدات کارخانه‌های غربی - امکان ورود پارچه‌های ماشین‌بافت غربی به‌وفور و سهولت	- سیاستهای غریب‌رایانه - تبلیغات و حمایت دولت از نفوذ غرب و فرهنگ غربی

(نگارندگان)

ارزش‌های به هیچ انگاشته شده‌ای که البته در نهاد زن وجود داشت ولی از آن بی‌خبر بودند.

بر پایه عوامل اجتماعی و ساختار فرهنگی این مسئله را می‌توانیم از دو جنبه بنگریم، جنبه اول اینکه در نظر بگیریم که فصل بیداری و آگاهی زنان ایرانی همزمان با موج گسترده‌ای که از غرب می‌آمد، آغاز شد و دامنه آن در دوره‌های بعدی به صورت گسترده‌تری پی گرفته شد، اتفاقی که دیر یا زود دامان زنان جامعه ما را در بر می‌گرفت و دیگر اینکه به سردرگمی و بلاتکلیفی زن ایرانی بیندیشیم که چگونه در برزخ بین سنت و

مدرنیته دچار تلاطم شد. زمانی که زن از حقوق خود در جامعه اطلاعی نداشته باشد، با صبر بیشتر و دغدغه کمتر به تعدیل مشقات زندگی می‌پردازد؛ اما زمانی که زن از میزان برابری و عدالتی که می‌تواند نسبت به مرد داشته باشد و ندارد، و اینکه حقوقی در جامعه و حرفی برای گفتن داشته باشد ولیکن محکوم به سکوت باشد، آگاه شود دچار آسیب‌های روانی می‌شود. این موضوع در اواخر دوره قاجار و به خصوص بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ برای زن درباری، پررنگ شد.

نتیجه‌گیری

پوشاک بانوان قاجار به سه بخش سرپوش، تنپوش و پاپوش در دو محور پوشاک اندرونی و بیرونی قابل تقسیم است. سرپوش اندرونی بانوان از چارقد، چارقد قالبی و نیم تاج تشکیل می‌شد که کمابیش در هر سه مرحله سنت، گذار و تجدد مورداستفاده قرار می‌گرفت (جدول ۱). سرپوش بیرونی شامل چارقد و روبنده بود. در دوره تجدد، نوعی روبنده به نام پیچه برای بانوانی که از پوشش سنتی دست نکشیده بودند رواج پیدا کرد. تنپوش اندرونی شامل پیراهن، ارخالق، چگین، کلیجه، شلیته، شلوار و چادرشب بود. این سبک لباس در قالب سنت و در اوایل دوره استفاده میشد. بعد از دستور ناصرالدین‌شاه مبنی بر تغییر پوشاک، لباس اندرونی به تنکه، تنبان و دامن چتری در دوره گذار و سپس به نیمتنه و چادر نماز در دوره تجدد تبدیل شد.

تنپوش بیرونی بانوان شامل چاقچور و چادر بود. این دو نوع پوشش از ابتدای دوره قاجار و در وضعیت سنتی و همچنین دوره گذار برقرار بود. در دوره تجدد، تنها بانوان مسن و معتقد به حجاب سنتی از آن استفاده میکردند. در این دوره اغلب بانوان به ویژه جوانان از کت و دامن و پیراهن به سبک غربی استفاده میکردند. پاپوش، در دوره البسه سنتی، گذار و تجدد، شامل جوراب، گیوه، گالش و نعلین بود. در دوره گذار و تجدد، کفشهایی به نام قونداره رواج پیدا کرد که جزء سوغات ناصرالدین‌شاه بود. لباس اندرونی سنتی بانوان قاجار در مرحله گذار دچار دگرگونی چشمگیری شد. هر چند این دگرگونی بعد از چند سال برطرف گردید؛ اما لباس سنتی اندرونی دیگر مورداستفاده مجدد قرار نگرفت و لباس بینابینی از این دو شایع شد. هر چند خواهی نخواهی، امواج خروشان غرب‌گرایی کشور ما را درمی‌نوردید و نوع پوشش افراد را تحت تأثیر قرار می‌داد، اما خواسته ناصرالدین‌شاه در مورداستفاده از لباس بالرین‌های غربی، مزید بر علت شد. به مرور و در اواخر دوره قاجار، لباس اندرونی، بیشتر سمت‌وسوی غربی به خود گرفت. پوشاک بیرونی، در دوره تجدد، تغییراتی را در خود مشاهده کرد. از آنجایی که تفکر سنتی فضای اجتماعی جامعه ایرانی را دربر گرفته بود، در دوره گذار تغییر مشهودی در لباس بیرونی بانوان مشاهده نشد.

بر خورداری از دو لباس کاملاً متمایز اندرونی و بیرونی برای بانوان در یک دوره زمانی، مبین عملکرد پر قدرت سنت است. زیرا مطابق سنت حاکم بر جامعه قاجار و بنا به مدارک باقی مانده از سبک و سیاق زندگی زنان، نوع پوشش بیرونی زنان، آنها را از اجتماع جدا می‌کرد. از سویی دیگر، لباس اندرونی صرفاً در اندرون منزل و فقط در حضور محارم پوشیده می‌شد و به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، بانو در فضای اندرونی، محدود به همسر، فرزندان و خویشان درجه اول و جمع نسوان می‌شد و مراودات جمعی که می‌تواند باعث تجربه‌اندوزی و کشف هویت فردی شود را از دست می‌داد. بر اساس شناخت و تحلیل تن‌پوش زنان قاجار، آنان بر اساس چارچوب موازین سنتی، چه در منزل و چه در اجتماع منفک و منفعل از مردان بودند. در نتیجه بعد اجتماعی و عقلانی آنان، آن طور که باید، رشد و پرورش پیدا نکرد (جدول ۶). به علت عدم حضور مفید و پررنگ زن در جامعه، احساس نیاز به پوشش راحت و کاربردی در جامعه از بین می‌رفت.

هر چند چالش همه‌جانبه مابین زندگی سنتی و زندگی متجدد می‌توانست سردرگمی زنان را به همراه داشته باشد و منطبق شدن با دنیای فریبده تجدد، در فضای سنت، کاری مبهم و دشوار به نظر می‌رسید، اما زمینه بیداری و خودشناسی آنان فراهم شد و عامه زنان با تقلید البسه غربی و افکار و رفتار غربیان، تجربیاتی از نوعی متفاوت از زندگی را کسب کردند و قدم در راهی گذاشتند که نتیجه آن به عمر دوره قاجار کفاف نداد، ولیکن آغازگر جنبش بیداری زنان ایران زمین شد.

با توجه به اینکه دوره قاجار، فاصله‌ای کمتر از صد سال با امروز دارد، وقتی لباس بانوی قاجاری، تغییرات، تقلیدها و همسان‌سازی‌های هرچند ناقص آن را با البسه غربی مطالعه میکنیم، درک مشکلات پوششی بانوان امروزی ممکن می‌شود و راه تحقیق برای محققین کشور در این امر سهل می‌گردد. در پایان، با توجه به راهبردی بودن پژوهش‌های مربوط به پوشاک دوره‌های مختلف برای بررسی و تحلیل مسائل جامعه‌شناختی، امید است پژوهشگران کشور در این امر اهتمام بیشتری ورزند.

سپاسگزاری

از دکتر مازیار یزدانی از دانشگاه اسلو (نروژ)، به خاطر مطالعه مقاله و ارائه نظرات ارزشمندشان سپاسگزاریم.

پی‌نوشت

۱. دوربین عکاسی برای اولین بار در زمان ناصرالدین‌شاه به ایران وارد شد و تنها دوره تاریخی که از آن عکس به‌جامانده، همین دوره است. عکسها اطلاعات خوبی از نحوه پوشش بانوان آن زمان را بر ما آشکار میکند. برای آگاهی بیشتر به سایت wikipedia.org مراجعه کنید.
2. William Durant
۳. یاکوب ادوارد پولاک (Jacob Edward Pollock) به دعوت امیرکبیر همراه با شش استاد اتریشی دیگر برای تدریس در دارالفنون وارد ایران شد و به مدت ده سال اقامت داشت.
۴. دیولافوا (Jane Dieulafoy) همسر مارسل اوگوست دیولافوا، مهندس راه و ساختمان بود و به همراه همسرش از سوی دولت فرانسه برای انجام کاوش‌های باستان‌شناسی به ایران آمد.
۵. لیدی شیل (Lady Sheil) همسر وزیرمختار انگلیس، در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه در ایران اقامت داشت و مجموعه‌ای از خاطرات و مشاهداتش را فراهم آورد. (چهارزی، ۱۳۷۸: ۲۵-۲۲) برای اطلاعات بیشتر به noormagse.ir مراجعه کنید.
۶. کارلا سرنا (Carla Serna) ایتالیایی، اولین زن جهانگرد که در سال ۱۸۷۷ مصادف با سی‌امین سالگرد سلطنت ناصرالدین‌شاه به ایران آمد. برای آگاهی بیشتر به سایت مراجعه کنید.
۷. سمبوسه (Sambuse) زانده مثلثی شکلی است که به لبه آستین‌های رویی متصل می‌شود. این اتصال می‌تواند روی دست به صورت مثلث کوچک متساوی‌الاضلاع یا پشت دست به صورت مثلث متساوی‌الساقین، قرار گیرد (نگارندگان).
۸. مرصع عبارت است از تزیین آلیاژ فلزات با طلا یا نقره و یا سنگ‌های قیمتی.
9. Gaspard
۱۰. گلابتون: (Golabatoon) نخ‌های ابریشمی که روکشی از طلا یا نقره داشت و جهت تزیین لباس بر آن دوخته می‌شد و به علت قیمت بالایش برای لباس درباریان به کار می‌رفت.
۱۱. یراقدوزی عبارت است از دوختن نوارهای زریدار پهن به لبه لباس جهت تزیین
12. Henry René d'Allemagne
۱۳. ادوارد براون (Edward Granville Browne) برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: (براون، ۱۳۸۴: ۲۶۱)
۱۴. نیم چاقچور همان چاقچورهای کوتاه شده بود که قد آن تا زانو می‌رسید. چین‌های بخش بالای نیم چاقچور، روی هم دوخته می‌شد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۰).
15. Modernity-
۱۶. مادگی: از انواع اتصال دوبر لباس است که در هم قفل شده و باعث نگه داشته شدن لباس روی بدن می‌شود و کاربری همانند قزنقفلی دارد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به (صنعتی، ۱۳۸۴: ۳۳)

۱۷. عربی یا یقه ایستاده، دور گردن در حال ایستاده قرار می‌گیرد. خط لبه بیرونی یقه تقریباً با خط لبه گردن، برابر است (صنعتی، ۱۳۸۴: ۱۵).
۱۸. آستین شمشیری یا آستین ساده با قد کوتاه یا بلند و مچ آستین به صورت تنگ است. اصطلاحاً به این آستین، شمشیری می‌گویند (بری، ۱۳۸۷: ۳۶۹).

19. Clara Colliver Rice

۲۰. مشروطیت: داشتن حکومت ملی، حکومتی که مقید به قانون باشد و نمایندگان ملت بر کارهای دولت نظارت داشته باشند (عمید، ۱۳۵۵: ۹۷۷)

منابع و مآخذ

- آرون، ریمون. (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- براون، ادوارد. (۱۳۸۴). *یک سال در میان ایرانیان*. ترجمه مانی صالحی علامه. چاپ دوم، تهران: اختران.
- بری، آن لود. (۱۳۸۷). *راهنمای کامل دوخت تک دوزی و صنعتی*. جلد دوم، تهران: زوار.
- بنجامین، ساموئل گرین. (۱۳۶۳). *خاطرات ایران و ایرانیان*. ترجمه رحیم رضازاده ملک، تهران: گلبانگ.
- پارسا، طیبه. (۱۳۷۷). *پوشش زنان در گستره تاریخ*. قم: احسن الحدیث.
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۹). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. تهران: نارستان.
- تحویل‌دار، میرزا حسین. (۱۳۴۲). *جغرافیای اصفهان*. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۸). *تکاپوی زنان عصر قاجار*. فصل‌نامه علمی پژوهشی *مطالعات علوم انسانی*، (۲)، ۱-۲۲.
- جوادی یگانه، محمدرضا و کشفی، سید علی. (۱۳۸۶). *نظام نشانه‌ها در پوشاک*. فصلنامه *شورای فرهنگی اجتماعی زنان*. ۱۰ (۳۸)، ۶۲-۷۰.
- چهارزی، منصور. (۱۳۷۹). *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، (۳۳)، ۳۳-۲۵.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۹۲). *تاریخ خانم‌ها*. چاپ دوم، تهران: قصیده‌سرا.
- درویل، گاسپار. (۱۳۴۸). *سفرنامه درویل*. ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- دورانت، ویلیامز. (۱۳۷۶). *تاریخ تمدن*. جلد اول، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- دیولافوا، جان. (۱۳۶۱). *سفرنامه دیولافوا*. ترجمه همایون، تهران: خیام.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۳۶). *لباس زنان ایرانی از سده سیزدهم هجری تا امروز*. تهران: اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۲). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد ۳، تهران: امیرکبیر.
- رایس، کولبور. (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*. ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- رنه‌دالمانی، هانری. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا خوزستان*. ترجمه محمدعلی همایون فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- شیل، مری. (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل همسر وزیرمختار انگلیس*. ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صنعتی، فاطمه. (۱۳۸۴). *نازک دوزی زنانه*. جلد سوم، تهران: مدرسه.
- صنعتی، فاطمه. (۱۳۸۶). *نازک دوزی زنانه*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ضیاپور، جلیل. (۱۳۴۷). *پوشاک ایرانیان از کهن‌ترین زمان*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- عابدی، شمس‌الدین و محسن، محمدمهدی. (۱۳۸۲). *حدود و پوشش و نگاه در اسلام*. تهران: الهدی.
- علی محمدی، جواد. (۱۳۹۲). *همگامی ادبیات و نقاشی قاجار*. تهران: یساولی.
- عمید، حسن. (۱۳۵۵). *دایره‌المعارف لغات عمید*. جلد دوم، چاپ دهم، تهران: جاویدان.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۵). *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*. تهران: هیرمند.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۵). *۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی*. تهران: هیرمند.

- قویمی، فخری. (۱۳۵۲). کارنامه زنان مشهور ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- کاظمی، خدیجه. (۱۳۸۸). آرایش و پوشش زنان از عهد مغول تا پایان دوره قاجار. تهران: اندیشه زرین.
- کدی، نیکی. (۱۳۸۱). ایران دوره قاجار و برآمدن رضاخان. ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- کرزن، جرج. (۱۳۴۷). ایران و مسئله ایران. ترجمه علی جواهر کلام، تهران: ابن سینا.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). شرح زندگانی من یا تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجار. چاپ پنجم، تهران: زوار.
- مهرآبادی، میترا. (۱۳۷۹). زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی. چاپ دوم، تهران: آفرینش.
- نبوی، عبدالامیر. (۱۳۸۹). جامعه در حال گذار، بازبینی یک مفهوم. فصلنامه مطالعات میانرشته‌های در علوم انسانی. ۱۹۳-۲۱۳.
- نجفی، موسی. (۱۳۹۱). فلسفه تجدد در ایران. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- نصیری، مینا. (۱۳۷۵). هنر سوزن‌دوزی. اصفهان: نشاط.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۸). صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته. تهران: نقش جهان.
- واتسن، رابرت گرانت. (۱۳۵۶). تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸. ترجمه وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر.
- وبر، ماکس. (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه. مترجمان: عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد، مصطفی عمادزاده، تهران: مولی.
- همدانی، میرزا محمدعلی خان. (۱۳۵۴). خاطرات فرید. تهران: زوار.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۲). پوشاک در ایران زمین. تهران: امیرکبیر.
- یاکوب، ادوارد پولاک. (۱۳۶۸). سفرنامه ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

Received: 2016/02/29/

Accepted: 2016/11/19



A Comparative Study of Qajar Women's Clothing before and after Nasser-Din Shah's Trip to Europe (Case Study: Women's Traditional and Modern Clothing)

Mana Abazari* Habibollah Tayebi**

Abstract

Clothing displays customs and habits of a society and can communicate with humans through its features. The type of women's cover reflects how they are engaged in cultural and social activities. The occurrence of all-out developments in Europe during the Qajar period and Nasser-Din Shah's trips to Europe and Iran's relationship with the West initiated the challenges for Qajar women's clothing. By this description, these questions arise in the mind that what were the characteristics of women's clothing as Iranian traditional dresses before and after communicating with the West and how these changes could be described and analyzed. What is pursued as a goal in this paper is the comparison and analysis of Qajar women's clothing with an eye to the status of Iranian tradition, entering the transitional stage and then the Western modernization, and finally the process of this change would be analyzed. To achieve this purpose, the qualitative research method (descriptive-analytic) was selected and data analysis was carried out by content analysis. The theoretical framework of this study is based on two approaches of Iranian traditionalism and Western modernism in terms of sociology. In this regard, the understanding of transition situation seems to be necessary. Research resources are provided through studies in the library and also searching in internet. The results of this paper show that the study of Qajar women's clothing should be done in three sections: covering, tunic, and footwear on two inner and outer axes. Clothing has been analyzed in three periods of tradition, transition, and modernity from the beginning to the end of Qajar era. It has been revealed in this research that the inner-wearing tunic and footwear during the transition period and the outer clothing during the modern era changed. The investigation and analysis of Qajar women's clothing paves the way for understanding the changes of current clothes for the reader.

Keywords: Qajar women's clothing, Naser-Din Shah trip, tradition, transition, Western modernity

* PhD Candidate, Faculty of Engineering, Islamic Azad University (Qaem Shahr Branch).

** Associate Professor, Faculty of Engineering, Islamic Azad University (Qaem Shahr Branch).